

سندیکالیسم در ایران (بخش ۶)

سه شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۰ - ۲۱ ژوئن ۲۰۱۱

فرهنگ قاسمی

انقلاب مشروطیت و اندیشه حقوق کارگران

انقلاب مشروطیت در واقع انقلاب برای عدالتخواهی و علیه استبداد و حاکمیت طبقة حاکم ایران بود که در اثر رهبری روشنفکران ابعاد تازه‌ای به عدالتخواهی سنتی ایرانی میداد. این نوگرایی منبعت از تعقل سیاسی غرب بود که به ترویج مشارکت مردم در امور خودشان پای می فشارد.

چنانکه می بینیم به تشکیل عدالتخانه و پارلمان، دو نهاد بنیادین برای دگرگون‌سازی روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه سنتی ایران منجر گردیده، فراگرد رشد را در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری باعث می شود.

مبارزه برای حق و آزادی اگر چه بوسیله روشنفکران و مبارزین سیاسی پراکنده شده دامنه و وسعت پیدا می کند، اما چون طبقة تحتانی جامعه یعنی دهقانان، کسبه و پیشه‌وران جزء و کارگران بیش از هرکس دیگر فاقد این حقوق و آزادی‌ها بودند به عنوان فعال‌ترین نیروها وارد میدان مبارزه شدند تا برای احقاق حقوق پایمال‌شده خود مبارزه کنند. نظریه پردازان سوسیالیست و سوسیال دموکرات با شجاعت و آگاهی خود این طبقة را به مبارزه علیه ارتجاع و استبداد فرا می خواندند. مبارزه برای حقوق کارگری در اثر توسل به تشکیلات تعاونی‌ها، انجمن‌ها، شوراها و سندیکاها انکشاف پیدا می کند. از سوی دیگر اندیشه مبارزات کارگری و حقوق " طبقة " کارگر در ارتباط مستقیم با پیدائی صنف و " طبقة " کارگر می باشد که در مراکز تولیدی صنعتی بطور دسته‌جمعی بکار گمارده شده است. اما کم و کیف این مراکز، روند انکشاف و تعطیل‌شان در رشد مبارزات کارگری تأثیر بسزائی دارد.

بعلی که در مبحث پیشین بر شمردیم، این مراکز تولیدی در بدو امر قادر نبودند به حیات اقتصادی خود ادامه دهند، یکی پس از دیگری تأسیس و ورشکست می شدند. عمده‌ترین مراکزی که میتوانستند به مدت‌های نسبتاً طولانی باقی بمانند، تأسیساتی بودند که به وسیله

سرمایه‌داران خارجی ایجاد شده بودند و غالباً مخازن و معادن طبیعی ما را به یغما می بردند. نخستین جماعات کارگران ایران را در این عصر دهقانان، پیشه‌وران و صنعت‌گرانی تشکیل می دادند که به دلایل تغییرات در مناسبات تولید و دگرگونی ارزش‌های سنتی کار و سرمایه، بخاطر تأمین معاش و پیدا کردن لقمه نانی حاضر بودند به کمترین دستمزد قناعت کرده مزدوری در کارخانجات را پذیرا گردند. این کارگران در شمار توده‌هایی بودند که در انقلاب مشروطیت علم عدالت و آزادی‌خواهی را بدوش کشیدند.

همانطوریکه گفتیم، بین پیدایش کارخانجات کوچک و بزرگ تولیدی و رشد تولیدات صنعتی و کارخانه‌ای از یک سو و پیدایش احزاب و سازمان‌های اجتماعی که برای حقوق و آزادی‌ها مبارزه می کردند از سوی دیگر رابطه مستقیم وجود داشت، نتیجه این رابطه تلاش مردم برای برهم زدن روابط قدیم و ایجاد روابط و مناسبات تازه بود.

انقلاب مشروطه حدود هفت سال بطول انجامید. (۱۹۱۲- ۱۹۰۵ میلادی) - (۱۲۹۱- ۱۲۸۴ هجری شمسی) - مراکز مهم این انقلاب شهرهای بزرگ ایران از قبیل تهران، تبریز، رشت، انزلی، مشهد، اصفهان، بودند. کارگران ایران در کنار سایر اقشار انقلابی اجتماع برای برقراری عدالت و آزادی مبارزه می کردند. هرجا کارخانه‌ای بود، هرجا عده‌ای از کارگران کار می کردند، به ویژه در چاپخانه‌ها، روحیه حقیقت‌طلبی و عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی نیز حضور داشت، اگرچه تفکر انقلابی را روشنفکران به جامعه القاء می کردند، اما در اقدام انقلابی همه اقشار و طبقات جامعه سهم و شریک و وارد عمل بودند. روشنفکر با خطابه و نوشته‌اش، آخوند با بستن مساجد و واعظانش، بازاری و کسبه با تعطیل کردن بازار و حجره و دکانش، پیشه‌ور با قطع فعالیت تولیدی‌اش، کارگر با اعتصاب در کارخانه و کارگاه‌اش، همه و همه در میدان‌های مبارزه علیه آزادی و حق‌کشی آماده بودند. دست‌آورد این جان‌فشانی‌ها قانون اساسی ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ (اوت ۱۹۰۶) و تأسیس دو مجلس شورای ملی و دیگری سنا بود. در متمم قانون اساسی از نهادهایی سخن رانده شده است که قاعدتاً موجبات رشد مبارزات اجتماعی را می بایست فراهم آورد از آنجمله تشکیل انجمن‌ها بود.

آزادی تشکیل انجمن

در متمم قانون اساسی بموجب اصل بیست و یکم تشکیل انجمن آزاد بود:

” انجمن‌ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و محل به نظم نباشد در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعی نباید با خود اسلحه داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر می کند باید متابعت نمایند، اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشد. ” یعنی، آزادی انجمن‌ها و اجتماعات شناخته شده بود. پس با تشکیل انجمن‌ها و احزاب و اجتماعات مختلف جنبش‌هایی در طبقات مختلف پیدا شده و افراد روشن اعم از کارگر و غیرکارگر عضویت احزاب و اجتماعات مختلف را پذیرا شدند.

اما ماده اول نظام نامه انتخابات مورخه ۱۹ رجب ۱۳۲۴ قمری، صنفی بود و به هیچ وجه برای کارگران حق رأی قائل نمی شود؛ از کارگران کارخانجات نامی برده نشده، چنانکه گوئی اینان وجود خارجی ندارند یا هنوز صغیراند و یا دیوانه و سفیه.

این ماده بقرار ذیل بود:

” انتخاب کنندگان ملت، در ممالک محروسه ایران از ایالات و ولایات، باید از طبقات ذیل باشند: شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف - تجار و مالکین - فلاحین و اصناف. ”

بدین ترتیب طبقات و اصناف مختلف نمایندگان خود را به مجلس اول فرستادند، ولی از دوره دوم این طرز انتخاب نماینده عوض شده و رأی عمومی در ایران شناخته شد و همگان با حائز بودن شرایط توانستند در انتخاب نماینده شرکت کنند.

کارگران تا این موقع، مشخصاً حورأی نداشتند؛ تلویحاً چنین نتیجه گرفته می شد که کارگران بایستی در کنار اصناف در رأی دهی شرکت کنند.

در این ماده از کارگران هنوز بعنوان قشر اجتماعی نام برده نمی شود.

همزمان با افزایش کارخانه‌ها و تأسیسات کوچک و متوسط تولیدی تعداد کارگران در سازمان‌های ” صنعتی ” بالا می رود. بتدریج در مراکز صنعتی انجمن‌های حرفه‌ای و تعاونی‌ها و بعد سندیکا بوجود می آیند.

در اوائل قرن بیستم، تبریز یکی از مراکز مهم صنعتی و کارخانه‌ای ایران به شمار می رفت. «پائولوویچ» در این باره می نویسد:

” در اوائل قرن بیستم حدود یکصد کارخانه در تبریز وجود داشت که

در این کارخانه‌ها قریب به ده هزار کارگر مشغول به کار بودند. در شهرهای دیگر از قبیل تهران و رشت نیز کارخانه‌هایی یافت می‌شدند که بر اساس شیوه‌های جدید تولید اداره می‌گردیدند. در تهران کارخانه برق، چندین چاپخانه، کارخانه‌های چوب‌بری، کارخانه‌های مکانیکی وجود داشتند. این کارخانه‌ها در سال بیش از سی هزار روبل درآمد داشتند.[1]

با تجمع کارگران در این کارخانه‌ها، مسائل صنفی و مطالبات اقتصادی و رفاهی بیش از پیش و با پا در میانی احزاب و دسته‌جات سیاسی مبارزات کارگری برای بدست‌آوردن حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بمرور، دامنه و وسعت پیدا می‌کند.

در همین سالها، ادبیات مربوط به روابط کارگر و کارفرما و حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی انتشار می‌یابد. چنانچه گفته شد، نخستین بار «میرزاعلی فروغی» در کتاب «اصول ثروت ملل» از کارگران ایران بعنوان طبقه کارگر نام می‌برد.[11] این کتاب، در ۱۲۸۴ شمسی (۱۹۰۵ میلادی) یعنی تقریباً همزمان با تشکیل حزب همت در بادکوبه، در تهران انتشار پیدا میکند. ناشر کتاب مانند بسیاری دیگر از روشنفکران هم‌عهد خود با مسائل کار و کارگری و مبارزات سندیکائی در اثر ارتباط با تفکرات غربی آشنائی پیدا می‌کنند. در این کتاب، درباره توسعه اقتصادی و صنعتی، جمعیت‌های کارگری، شناخت حقوق کارگران و طبقه کارگر، حقوق کار، حقوق مربوط به تأسیس سندیکاها، حقوق مربوط به اقدام به اعتصاب درباره دستمزد و ... گفتگو شده است. این کتاب از جمله نوشته‌هایی است که اثر زیادی در مبارزات کارگران و آشنائی آنها با حقوقشان می‌گذارد. تقریباً همه کسانی که درباره مبارزات و جنبش‌های کارگری و سندیکائی در ایران، مقاله یا کتابی نوشته‌اند به این اثر ارزنده، در زمان خود، هیچ‌گونه اشاره‌ای نکرده‌اند.

از دیگر اندیشمندان اجتماعی که درباره حقوق «طبقه کارگر ایران قلم زده، کارگران را برای مبارزه تشویق می‌کرد، «رسولزاده» است. او در رساله اجتماعیت (سوسیالیسم) خود تحلیلی از اوضاع کارگری و تشکیلات آن می‌دهد. در این تحلیل به «نواقص آتی سرمایه‌داری» می‌پردازد، «عمله‌جات و صنف کارگران» را به شکل و مبارزه علیه بورژوازی فرا می‌خواند. او با اعتقاد به مارکسیسم اظهار می‌دارد: «در میان کارگر و کارکن هرگز ائتلافی متصور نیست و تمام کشمکش‌های اجتماعی در دایره مبارزه طبقاتی بین سرمایه‌داران و کارگران قرار دارد.» او در همین نوشته، درباره اعتصاب کارگران

علیه شرایط آهون کار؟؟؟ گفتگو می کند و از منافع پرولتاریا حمایت می نماید و آزادی پرولتاریا را از قید عبودیت سرمایه، آزادی تمام نوع بشر می داند. [iii]

اصل مساوات، حرای عمومی بدون فرق اجتماعی ملیت، بدون تفاوت بین فقیر و غنی و همچنین انتخابات ملی بر حسب تعداد جمعیت نه بر حسب طبقات، به علاوه انتخابات مجلس باید در زمان واحد شروع شود، هیئت وزیران را مجلس معین کند و در برابر مجلس مسئول باشد. در جهت دموکراسی اجتماعی این اصول را می شناسد: حق اعتصاب کارگران، محدود بودن ساعت کار، تقسیم اراضی، مالیات مستقیم بر ثروت، آزادی اعتصابات یعنی هرگاه کارگران به منظور سروسامان دادن به کار خود، اعم از اینکه این کار خصوصی یا سیاسی باشد اعتصاب کنند، دولت نمی تواند مانع آن شود و یا آنها را اجباراً به کار وا دارد. آن عبارت بدین معنی است که حق دستکشیدن از کار را هم برای بهبود وضع کارگری و هم بمنظور مقابله جوئی سیاسی تأیید کرده است. از دیگر حقوق کارگری اینکه مدت کار روزانه نباید از هشت ساعت تجاوز کند.

“اما در تقسیم اراضی دهات و املاک سلطنتی (خالصات) و هم چنین دهات و املاک مالکینی که علاوه بر احتیاج زندگی آنها باشد بایستی اولی بلاعوض و دومی توسط بانک خریداری شده بین اهالی و دهاقین تقسیم گردد.” در فرض مالیاتی می گوید: “مالیات و عوارض باید به نسبت دارائی و سرمایه اخذ شود نه بطور سرانه یعنی مالیات‌های دولتی باید از عایدات تجارت و ملک گرفته شود.” هر شخصی چنین عایداتی داشته باشد باید از پرداخت هر نوع مالیات و عوارض معاف باشد. بدان مأخذ تلویحاً طبقه دهقان و کارگر روزمزد و پیشه‌ور را از هر مالیاتی معاف دانسته است. [iv]

[i] - « پائولوچ - تریا - ایرانسکی »، “ انقلاب مشروطیت ایران و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن ”، تهران، ۱۹۵۱ چاپخانه نقش جهان، صفحه: ۴۲ و ۵۰ ترجمه « م. هوشیار »

[ii] - « فریدون آدمیت »، “ فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران ”، انتشارات پیام، تهران سال ۱۳۵۴

[iii] - اثر پیشین

[iv] - اثر پیشین، صفحه: ۴۳ و ۴۶